

جدید پاسخ

تذکر به خوانندگان :

در این صفحه فقط به سئوالانی پاسخ داده خواهد شد که در ارتباط با مسائل مطروحه در رهائی و یا مواضع سیاسی، ایدئولوژیک سازمان باشد. بنابراین از تمام رفقای که سئوال برای جواب در رهائی طرح میکنند، می‌خواهیم که در طرح سئوال خود به این نکته توجه نمایند.

نموده است. رفیق این حکم مقاله که جبهه آزادیبخش خلق ترکیه و ارتش آزادی بخش خلق ترکیه دارای افکار التقاطی از ماشو تبسم و گوارایسم هستند را مورد سئوال قرار داده و مینویسد:

"حرف من بر سر آوردن واژه‌ی گوارایسم و آوردن چه‌گوارا و ماشو تبسم در کنار هم در مورد یک گروه است. اگر منظور جنگ چریکی است که این فکس یک بعد از اندیشه‌ی گوارا است و تازه جنگ چریکی با جنگ درازمدت که ماشو تبسم بریزه‌اش کرد و ماشو تبسم ها تبلیغ میکنند، نمیتواند در کنار هم قرار بگیرند."

اعتقاد سازمانهایی مانند جبهه آزادیبخش خلق ترکیه و ارتش آزادیبخش خلق ترکیه تنها در مورد مسأله‌ی جنگ پارتیزانی، بلکه بر حول مسائلی مانند یاختمان حزب (جبهه آزادیبخش خلق ترکیه هم خود را حزب می‌داند، هم جبهه، و هم ارتش)، برداشتن از رزنه‌های فکری جنبش جهانی... ملقمسه‌های از گوارایسم و ماشو تبسم بود. ارتش آزادیبخش خلق ترکیه - تئوری فوکر (کائینون) را بعنوان اساس تئوری مبارزاتی در آن مرحله‌ی

مشغول - انتخاب نموده بود و معتقد بود که این مبارزه به ایجاد حزب طبقه‌ی کارگر در ترکیه منجر میشود. مثال ایرانی جنبش التقاطی در سازمان چریکهای فدائوسی در دوران قبل از قیام بخوبی مشاهده میگردد. این سازمان هم از اندیشه‌های گوارا در مبارزه‌ی مسلحانه دفاع مینماید. - احمدزاده در نقدش از دبره - و هم از اندیشه‌ی

های ماشو تبسم دون دفاع میکرد. نبرد خلق شماره ۲ - تا نیا اطلاق واژه‌ی "التقاطی" دقیقاً برای نشان دادن انحرافات جریاناتی بکار میرود که برآنند دو اندیشه درآمیختن متفاده ماشو تبسم و گوارایسم - را متضاد یکدیگر نشان دهند. التقاط بطور خلاصه یعنی

رفیق ۴۰۲ در مورد نقد نظرات "حزب کارگسران سوسیالیست" باید بگویم معیار ما تنها "محتوی و مضمون نظریات ارائه شده" نبود اگر چنین بود گفتمی شما درست می‌بود که پس در این مورد، با نقد نظرات فدائیان (اکثریت) در واقع مواضع تمام آن سازمانها که یک چنین نظرات راست و ارتجاعی را ارائه میدهند (از جمله حزب کارگسران سوسیالیست) به نقد کشیده شده‌اند. بلکه علت اصلی این برخورد چرخش بر است روشن در این سازمان نسبت به دولت و حکومت سرمایه داری ایران بود. مقاله نیز در حقیقت این مسأله را بیان کرده بود. همچنین تناقضی ادعاهای گذشته و عمل کنونی را برجسته نمود بود.

در مورد برخورد به نظرات سازمانهای دیگر، به پاسخی که به رفیق دیگری در همین صفحه داده شده مراجعه کنید. در این رابطه همچنین باید متذکر شد که منظور از نقد نظریات صرفاً جمله به دیگران نیست، بلکه میتوان مواضع صحیح را نیز مورد تأیید قرار داد.

"نقد ۱۳ خطی فدائیان (اکثریت)" نیز بدین خاطر است و اهمیت این امر هم از این روست که این جنگ سبب شد بسیاری از مواضع و خطوط آشکارتر شوند و بهانه را بسزای کسانی که میخواهند از رژیم کاملاً حمایت کنند ولی خجل بودند، فراهم کرد. بنابراین روشن است که در چنین شرایطی داشتن مواضع صحیح بمعنای تدقیق بیشتر خطوط در جنبش چپ است و تأیید ما بر موضع فدائیان (اکثریت) نیز دقیقاً بدین خاطر است.

در مورد سئوالتان راجع به مقاله‌ی "اکثریت‌های مذهبی..." به پاسخ "رفیق علی" در رهائی ۵۲ رجوع کنید.

رفیق محمدرضا انتقاداتی به مقاله‌ی در شماره‌ی ۴۸ رهائی در مورد کودتای ترکیه

جمع کردن آن اندیشه‌هایی که اساسا مانع از جمع اند.
رفیق در بخش دوم این انتقاد نوشته است

در رهایی ۴۸ نوشته شده که سرمایه‌ی بزرگ از اجوبیت حمایت میکنند و سرمایه‌ی متوسط از دمیرل، سرمایه‌ی وابستگی میان که دمیرل به آمریکا دارد. آیا این تصور پیش نمی‌آید که سرمایه‌ی بزرگ و انحصاری از دمیرل دفاع میکند نه متوسط

انتقاد رفیق به این بخش از نوشته کامسلا درست است. در این مقاله سهواً اجوبیت بعنوان مدافع سرمایه‌ی بزرگ معرفی شده است که این نادرست است. در حقیقت سرمایه‌ی بزرگ و انحصاری از دمیرل دفاع میکند نه سرمایه‌ی متوسط.

رفیق در سؤال دیگری پیرامون یکی از مقالات رهایی ۲۹ مینویسد:

در مقاله‌ای که رفیق هوشنگ محبیبی نوشته بود (رهایی ۲۹) آورده شده که در سال ۱۹۲۱ قدرت سیاسی در دست طبقه‌ی کارگر شوروی بوده است. آیا این نظر سازمان نیز هست یا نه؟

ارزیابی سازمان از انقلاب اکتبر شوروی و ادامه‌ی آن که تا بحال نیز در نوشتجات مختلف منعکس شده است حکم بر سوسیالیستی بودن انقلاب و حاکمیت خط مئی پرولتری بر سر حزب و سایر نهادهای دولتی میداده است. گر چه بعقل مختلف نطفه‌های پرورکراتیسم در حزب و جامعه و دولت شوروی از اوایل دهه‌ی ۲۰ بوجود آمد. اما معتقدیم که در سال ۱۹۲۱ علیرغم همه‌ی این نارسایی‌ها حاکمیت سیاسی هنوز در دست طبقه‌ی کارگر و حزب آن قرار داشت. از سالهای ۱۹۲۳ پیچید بتدریج دگرگونیهای بسیاری در ترکیب طبقاتی اجتماعی حزب ایجاد شد که ماهیت پرولتری آنرا بزیور سؤال کشید.

رفیقی که متأسفانه نام خود را ذکر نکرده است، پرسشهای متعددی را مطرح ساخته است که پاسخ برخی از آنها به ترتیب در زیر آمده است.

* رفیق پرسیده است:
چند جا واژه‌ی روابط تولیدی سوسیالیستی بچشم ((بخورد))، آیا اعتقاد بر این است که همانند روابط تولیدی سرمایه‌داری، روابط تولیدی بنسبم روابط تولیدی سوسیالیستی هم هست؟ یا شیوه‌ی تولید سوسیالیستی؟ و اگر چنین باشد آیا این نتیجه گرفته نمیشود که سوسیالیسم یک فرمایشی است؟ یا اینکه سوسیالیسم تنها یک دوران گذار است؟ درک درست چیست؟

در اینباره باید بگوئیم که پاسخ این سؤال بگونه‌ای در پاسخ به سؤال دیگری راجع به ساختمان سوسیالیسم در شماره‌ی ۴۷ ملحوظ شده است. در آنجا نوشتیم: "در یک کلام مسا

شیوه‌ی تولید سوسیالیستی را مترادف یا شیوه‌ی تولید کمونیستی و مناسبات سوسیالیستی را معادل مناسبات کمونیستی میدانیم. بنا بر این هر جا سخن از چنین شیوه‌ای یا مناسباتی می‌رود مقصود روشن است. لیکن یک موضوع را نیز باید روشن کنیم و آن اینکه بعد از کسب قدرت توسط طبقه‌ی کارگر و برقراری دیکتاتوری پرولتاریا، دوران گذار از سرمایه‌داری به کمونیسم آغاز خواهد شد. در آن دوران گذار سوسیالیستی نامیده میشود. در این ملاحظه میکنید که واژه‌ی سوسیالیسم در مفهوم بکار می‌رود. یعنی از طرفی پس از دوران گذار اطلاق نمیشود، ولی در موازتی نیز که بعنوان فرمایشیون از آن یاد میشود طبقاً مقصود همان کمونیسم است. بنا بر این از متن میتوان دریافت که منظور کدامین بوده است.

* عنوان کتاب "فرمایشیونهای اقتصادی ماخیز سرمایه‌داری"، گرچه از ترجمه‌های ماست، با این دلیل در فهرست انتشارات بچشم نمی‌خورد که حاصل تلاش یکی از رفقای ما بوده که برای اولین بار از مجرای سازمانهای جنبه‌ی فلسفی در خارج از کشور (بخش خاورمیانه) انتشار یافته است و نه بنام گروه اتحاد کمونیستی و یا سازمان وحدت کمونیستی. البته ما هنوز به مواضع طرح شده در مقدمه‌ی آن اعتقاد داریم و کتاب را مفید میدانیم. در این رابطه کتب دیگری نیز منتشر شده است. درباره‌ی پیشنهاد شما باید بگوئیم که: "زمینه‌های بیشتر برای تفاهم و همکاری میان نیروهای چپ" را نمیتوان یکجا نیمه بوجود آورد. البته ما همواره چه در عمل و چه در نظر نشان داده‌ایم که آماده‌ی همکاری اصولی نیروهای چپ انقلابی هستیم و حتی آنرا بسیار مفید می‌شماریم و معتقدیم هر وحدتی میبایست از مجرای همکاری بگذرد. بهر حال پیشنهاد شما در مورد چاپ بخشهای با ارزش نشریه‌ی چپ دیگر در چارچوب نشریه‌ی یک جنبه‌ی واحد نیروهای چپ ممکن بوده و اقدامی مثبت بشمار می‌آید لیکن در مورد نشریه‌ی یک سازمان چپ درست نیست.

* حتماً تاکنون قسمتهای اول تا چهارم برخورد به نظرات سازمان پیکار را نیز ملاحظه کرده‌اید. برخورد به نظریات جریان‌های دیگر را نیز سعی خواهیم کرد بتدریج در دستور کار خود قرار دهیم. البته در این مورد باید در نظر داشت که با توجه به تعداد سازمانهای موجود در حال حاضر نه امکان پذیر و نه واجب است که به تقدیم آنها بپردازیم. زیرا مقصود از نقد نظریات دیگران، علاوه بر برخورد به برخی نظریات خاص، روشن کردن مسائل تئوریک نیز هست. بنابراین، مثلاً "پیکار" را میتوان بعنوان یک نمونه از خط ۳ و "رزمندگان" را بعنوان نمونه‌ی دیگری از خط ۲ نقد کرد. میتوان گفت باین جریان‌ها در محدوده‌ی این نمونه‌ها قرار میگیرند. بنابراین در مورد نقد هر سازمانها مسأله‌ی عمده نقض آن بعینش مورد نظر است. بدین خاطر قصد جدال نظری با یک یک سازمانهای موجود نیست.